



سایه‌ها و یادها | کاوه کاظمی

تی یک عکس نه اوج کمال می‌رسد که نه یک ابر هیری تبدیل شود و دیگر فقط تا یک نگاه توان محوای آن  
زیلی کرد. آنچه در تصویر بت سده است و نه نگاه ما عرصه می‌سود مجموعه عواملی است معلق در فضا و  
ن که در آن تحولات گذشته و حال و آینده سخص اصلی تصویر نارباب می‌نابد و کجکاوی ما را برمی‌انگیزد  
سقی‌تر سگریم

کاطمی عکاسی است که در فن ثبت تصویر، که در آن حرک و نامل محسوس است، نه درخه اسنادی  
سیده است. او ار وری خطوط چهره و سایر اسانی که در برامون برره نه ما نسان می‌دهد، حرک و بحول را  
تغن ما تداعی می‌کند عکاس صحنه را نه صورت بصعی آماده نکرده است ولی برره تصویر سخصی است  
سلاً خود را برای عکس آماده کرده تا بصوری حاودانی از خود ازانه دهد در حسن موقعی است که کاوه  
قی یا هوشیاری می‌کوسد بدون بهاحم، سخص را از حلدی که برای خود ساحه است خارج نماند، در  
پارچوب دوربین خود او را عافلگر کند و برای رسدن به سحه دلخواه خود از مهارت و فی عربری، که محص  
و حرفه‌اش است، اسفاده کند

م است که کاوه کاطمی سعی دارد بدوا بصوری حقمی ار سخص مورد نظر نه دست آورد اما نه بصوری که  
بایک عکس ثابت ار چهره است، بلکه بصوری که حرک و عدهای محلف و صوابط ساسانی سخص را  
عکس پدیدار کند

تصاویر ۶ نفر ار سخص‌هایی که موحت عرور و سرافراری انران‌اند آورده سده ما اروناسان، ار  
رستانه‌های حدید، تا حدی ار هرمدان سسما و محسمه‌ساران انرانی آسا هسسما اما نسان، ساعران،  
ستگان و دانشمدان سساری ار اس کسور دور و رار آمر برای ما گمنا و ناساحه‌اند

شوگو درباره زندگی اس ۶۰ سخص و آسانی تا زندگی و انارسان، خود کاری حداگانه است که ممکن است  
کلی دیگر ننگد، بخصوص که عده‌ای ار اسادان معاصر انران، فل ار آنکه کاوه نواند بصوری ار آنها نه ما  
ما کند در فانی را وداع گمبه‌اند

یه کاطمی می‌گوید که هدف او ار گرس اس عکس‌ها (برره‌ها)، جمع آوری آنها در یک کانالوگ بوده است  
نیرد که او هرمد است و اس برره‌ها بر اساس یک مبل سخصی، پرسه‌نران در اوقات فراغت ار کار، جمع آوری  
سده و هدف او حاودانه کردن لحطانی حداب ار زندگی اس سخص‌های برحسه احماعی انران بوده است  
سخت نماند که کاوه کاطمی، نه‌دلایل گونانی، صراحت و حداب عکس‌هاش، در عرصه س‌المللی ساحه سده  
ست جمع آوری تصاویر اس سخص‌ها برای کاوه کاطمی مانند روایی بوده که سال‌ها تا خود آگاه او را همراهی  
ده است، بدون آنکه عجله‌ای در احرای آن داسه ناسد اسک زمان آن رسده است که اس رو با در فالت اس  
تاب تقدیم شما گردد

بقی ستر

